

متوجه سطح بالای بازیگری در کل بازیگران این سریال شده‌اید. چقدر تلاشتان را بیشتر کردید و آیا تمرین‌های خاصی داشتید؟ آیا حضور در این پروژه و همکاری با این بازیگران ترس و اضطرابی داشتید؟

خیر؛ اضطرابی سراغم نیامد چون پیش از این هم اینجور تجربیات را داشتم و در واقع فکر میکنم که وقتی کنار کسی قرار میگیری که اسم و رسم و برند دارد راهی نداری جز اینکه خیلی خوب باشی. من تمام توانایی ام را وسط گذاشتم تا بتوانم کنار این اسامی درست ترین ورژن الهه حساری باشم. این جور مواقع برای من به شخصه انگیزه کار کردن بیشتر میشود و ترسی وجود ندارد. خیلی باعث افتخار و خوشحالی است و من خیلی خوشحال هستم که در پروژه‌ی «زخم کاری» با این همه آدم حرفه‌ای و درجه یک چه در پشت صحنه و چه در جلوی صحنه همکاری کرده‌ام.

آیا قبول دارید که بعد از «زخم کاری» دیگر نمی‌شود بی‌گدار به آب زد و این سریال به نوعی برای شما سکوی پرتاب است و احتمالاً شکل پیشنهادات تان را از این به بعد تغییر می‌دهد؟

قطعا این را قبول دارم. من قبل از «زخم کاری» یک فیلم سینمایی کار کرده بودم که «راند چهارم» به کارگردانی علیرضا امینی بود که آن هم اتفاقات خوبی را برایم رقم زد و همزمان با بخش سریال «زخم کاری»، یک جایزه‌ی بین المللی برای این فیلم در جشنواره‌ی روسیه گرفتم که البته هنوز اکران نشده‌است. وقتی کار را از یک جایی شروع می‌کنی، خیلی نمی‌توانی انتخاب کنی و انتخاب می‌شوی اما در حال حاضر و بعد از این یک دهه ونیم فعالیت به نظرم سعی کرده‌ام تا پله پله جلو بیایم و درست انتخاب کنم که به ماندگاری کمک بیشتری کنم. فکر می‌کنم که با «زخم کاری» اتفاقی که دوست داشتم افتاد و قطعا از این به بعد کارم سخت‌تر می‌شود.

از نظر شما به عنوان یک مخاطب که در این سریال بازی هم داشتید، گفتن از خشونت، چالش‌های جامعه و بد اخلاقی‌هایی که وجود دارد تاثیر گذار تر است یا اینکه در باره‌ی آن‌ها سکوت کنیم؟ و اینکه اگر خودتان بخواهید در یک مقام نظارتی باشید به نظر شما «زخم کاری» نیاز به سانسور داشت یا خیر؟

اینکه از همان اول مشخص بود و تکلیفم با کارگردانم معلوم بود که با کارگردانی مواجه هستم که نگاه برای او خیلی مهم است. درواقع برای ایشان نوع نگاه و نگاهی که حرف بزنند بدون اینکه دیالوگ بگوید، خیلی قابل اهمیت بود و من هم جزو بازیگرانی هستم که خیلی این نوع بازیگری را دوست دارم. نمی‌دانم چقدر موفق هستم و می‌توانم، ولی دوستش دارم. همه‌ی تمرین و تلاشم این است که این اتفاق در هر کاراکتری که بازی می‌کنم پیش از پیش بیفتد چرا که خودم هم خیلی به آن علاقمند هستم و به آن اعتقاد دارم.

نقش شما به شکلی است که هم اغواگری در آن نمایان است و هم معصومیت؛ چقدر تمرین داشتید تا بتوانید روی صورت و اکت‌ها طوری تسلط داشته باشید که نقش به درستی و غیر قابل حدس درآید؟

در هنگام کار تلاش کردم تا شبیه چیزی باشم که در فیلمنامه بود و کارگردان از من میخواست و در نهایت نمیدانم که خروجی چطور توسط مخاطب تحلیل میشود اما فکر میکنم با توجه به واکنش‌هایی که دریافت کردم کیمیا به دل همه نشست و همان جور که دوست داشتیم دیده شده‌است. قطعا قبل از اینکه بخواهیم برداشت اصلی را داشته باشیم، تمرین داشتیم اما تمرینات زیادی که بخواهیم برای آن وقت بسیاری بگذاریم، خیر. چون به هر حال بازیگر باید آن موقعیتی که هست را درک کند و در لحظه آن حسی که نقش برای او ایجاد میکند را به درستی از طریق اکت و حس و دیالوگ به مخاطب منتقل کند و من در این مسیر فکر میکنم تمام تلاشم را کردم. درواقع آن اتفاقی که قبل از آن سکانس (یعنی اتفاقی که قبل از آن سکانس می‌خواهیم بگیریم) افتاده خیلی مهم است و اتفاقی که بعد از آن سکانس افتاده خیلی مهم‌تر است. وقتی که تو بتوانی آن موقعیتی که در آن هستی را درک کنی و درک کامل داشته باشی که الان در کجای قصه هستی و قرار است که کجای قصه را بازی کنی و درواقع کدام را کورد حسی‌ات را نگاه داری فکر می‌کنم آنجاست که یک مقدر می‌توانی بگویی که موفق شدم و می‌توانم این کار را انجام دهم.

در کاری حاضر شدید که بازیگران زن آن همگی درخشیدند و خوب ظاهر شدند. احتمالاً حین فیلمبرداری هم که خصوصا با رعنا آزادی ور مواجه می‌شدید

جاهای کمی احساس می‌کردیم که باید راجع به آن سکانس صحبت کنیم و یا نظر خاصی را ارائه بدهیم؛ حداقل در مورد من که اینطور بود. محاسبات درست بود و می‌دانستند که از صحنه چه می‌خواهند و درست پیش می‌رفتند.

در باره‌ی نقش مقابلتان یعنی جواد عزتی و رعنا آزادی ور بگویند که این تجربه چطور بود و همکاری آن‌ها در همراهی با پارتنرشان را چطور دیدید و آیا از تعامل با آن‌ها راضی بودید؟

من از همکاری با کل بازیگرهای این کار و کل گروه در پشت و جلوی دوربین لذت کامل را بردم. تجربه‌ی بسیار جذاب و فراموش نشدنی برای من بود. در مورد کاراکترهایی که پارتنرم بودند باید بگویم که جواد عزتی بی‌نظیر بود و من بسیار از او یاد گرفتم. رعنا آزادی ور هم درجه یک بود و چیزی برای گفتن نمی‌ماند چرا که مشخص است که سمیرا و لیدی مکبث قصه چطور بوده‌است. به نظر من رعنا آزادی ور هر آنچه که باید را گذاشت و همان اتفاقی که در کلیت فیلمنامه باید می‌افتاد به بهترین شکل اتفاق افتاد و همان چیزی شد که کارگردان و ایشان می‌خواستند. هنگام پاسکاری‌ها که در حین ضبط احساس می‌کردیم که خیلی خوب است؛ بعدتر هم در تدوین از سجاد پهلوان زاده تدوین‌گر کار می‌شنیدم که این پاس کاری در آمده و این مساله خیلی جای خوشحالی داشت. زمانی که سریال را با نور، تصویر، صدا و موسیقی جذاب آن - واقعا از موسیقی که حبیب خزایی فر کار کرده‌است نباید بگذریم - تماشا کردم، دیدم که خدا را شکر کلیت کار خیلی دوست داشتنی است و آنچه که باید، درآمده‌است.

«زخم کاری» اثری است که بازیگرانش بیشتر و متفاوت‌تر از کارهای دیگر سه‌م بازی با صورت، میمی‌ک و بازی در سکوت را دارند. شما به عنوان کسی که کارهای قبلی تان بیشتر دیالوگ محور بوده چقدر این نکته را اول کار فهمیدید که باید خیلی حواستان به صورتتان باشد و کارگردان چقدر در این مورد به شما کمک کرد و ایده داد؟

قطعا محمدحسین مهدویان که در راس کار حضور داشت بسیار کمک کرد و



در «زخم کاری» که آنقدر آدم‌ها حرفه‌ای و درجه یک بودند که هر روزی که سر صحنه حاضر بودم با همه‌ی انرژی و کیفم سر کار می‌رفتم و سکانس‌هایی که می‌گرفتم هر چقدر هم که سخت بود، برای همه‌ی ما لذتبخش بود.